

راهبرد ایالات متحده آمریکا در سوریه از ۲۰۱۱-۲۰۱۲

نویسنده: زهرا باباجانی پور*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۷

۱۱۵

چکیده

تحولات سوریه در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ از جمله وقایعی است که توجه همگان را به خود جلب کرده است. حوادثی که در سوریه در حال وقوع است، چهره‌ای بسیار متفاوت نسبت به تحولات سایر کشورهای عربی منطقه دارد و موضوعی که کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند نیز کاملا متمایز بوده است. در این بین، مواضع ایالات متحده با چهره‌ای حقوق بشردوستانه بسیار جالب توجه است. ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند با تمام ابزارهای موجود، از جمله تجهیز مخالفان، هم‌سوسازی کشورهای منطقه، جنگ رسانه‌ای و تلاش برای تصویب قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت و حتی طرح حمله به آن کشور، از اوضاع به وجود آمده در سوریه بهره‌برداری کند. پژوهش حاضر تلاش دارد به تبیین چرایی سیاست ایالات متحده در سوریه طی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ بپردازد. ایالات متحده آمریکا در پی رسیدن به اهدافی همچون برکناری رژیم بشار اسد و روی کار آوردن دولتی هم‌سو با غرب، شکستن محور مقاومت، کوتاه کردن دست ایران و روسیه از منطقه شامات و از همه مهم‌تر تامین و تضمین امنیت اسرائیل بدین وادی قدم نهاده است. چارچوب نظری این مقاله موازنه تهدید است.

واژگان کلیدی: تحولات سوریه، آمریکا، امنیت اسرائیل، روسیه، ایران، محور مقاومت

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال چهاردهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۱۵-۱۳۹.

تحولات اخیر خاورمیانه و برخورد میان دولت‌ها و تظاهرکنندگان در کشورهای مختلف عربی نه تنها از نظر داخلی و منطقه‌ای، بلکه از نظر بین‌المللی نیز یکی از موضوعات حساس و سرنوشت‌ساز در این دو سال بوده است که توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این تحولات در بسیاری از کشورهای عربی موجب سقوط رژیم‌های دیکتاتوری حاکم بر آنها شده و سوریه یکی از کشورهای عربی است که در حال تجربه اعتراض‌ها و ناآرامی‌های داخلی است. سوریه در ۲۰۱۱ از تحولات و شورش‌های صورت گرفته در تونس، مصر، لیبی و ... بی‌تاثیر نماند که حاصل آن یک‌سری شورش‌ها و اعتراض‌ها نسبت به وضع موجود در بخش‌هایی از کشور است. این شورش‌ها ابتدا در جهت اصلاح قانون اساسی صورت گرفت، اما بعد از موافقت دولت با انجام اصلاحات و حمایت‌های مردمی از دولت بشار اسد، روند تازه‌ای را در پیش گرفت.

سوریه از لحاظ موقعیت ژئواستراتژیکی برای ایالات متحده از اهمیت ویژه‌ای نسبت به بقیه کشورهای خاورمیانه برخوردار می‌باشد. این کشور تا ۱۹۹۱ برای ایالات متحده یک شریک حیاتی جهت حفظ تعادل قوا در خاورمیانه باقی ماند، اما این روند در ۲۰۰۰ با انتخاب بوش به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا تغییر یافت. در این دوره «مخالفت کردن از طریق منزوی کردن» به‌جای تعامل، پایه مرکزی رویکرد آمریکا نسبت به سوریه شد. جان بولتون، وزیر وقت خارجه آمریکا در ۲۰۰۲ سوریه را به‌عنوان دولت شرور به تصویر کشید^۱ و در ۲۰۰۴ این کشور را تحریم کرد. سوریه پس از ترور رفیق حریری با فشارهای شدیدی از سوی آمریکا مواجه شد، اما یکی از نخستین بندهای دستور کار دولت اوباما این بود که نقش دیپلماسی در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال سوریه، ممکن است سنگین‌تر از قوه قهریه باشد.^۲ از این‌رو از ۲۰۰۹ رویکرد جدیدی را نسبت به سوریه آغاز کرد و دیگر تقابلی نسبت به آن کشور نداشت و می‌خواست نقش بیشتری به سوری‌ها در تحولات منطقه‌ای بدهد، اما با آغاز درگیری‌ها در سوریه شاهد رفتاری کاملاً متفاوت از سوی ایالات متحده با آن بودیم.

ایالات متحده از آغاز ناآرامی‌ها و اعتراض‌ها در سوریه شیوه‌های متفاوتی را برای مدیریت تحولات سوریه به کار گرفت و مواضع سخت‌گیرانه و خشنی نسبت به سوریه اتخاذ کرد که

از آن جمله می‌توان به مواردی همچون تجهیز مخالفان، طرح حمله به سوریه، تلاش برای صدور قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت، تحریک کشورهای عربی برای مخالفت با سوریه، و هم‌سوسازی کشورهای منطقه اشاره کرد. با توجه به این مطالب، این سوال مطرح است که ایالات متحده چه اهدافی را در تحولات سوریه از ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱ دنبال می‌کند؟

فرضیه مقاله حاضر این است که ایالات متحده درصدد است با تغییر رژیم سوریه، نفوذ ایران و روسیه را در منطقه شامات از بین برده و با شکستن محور مقاومت و تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه موازنه قدرت را به نفع اسرائیل و متحدان خود در خاورمیانه تغییر دهد. در این مقاله ابتدا تئوری موازنه تهدید که چارچوب نظری بحث را تشکیل می‌دهد، بررسی شده و پس از مروری بر سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در سوریه، به تبیین چرایی مواضع ایالات متحده آمریکا در این کشور می‌پردازیم.

یک. موازنه تهدید

بی‌تردید نظریات مختلفی برای توجیه این موضوع و علل آن وجود دارد، اما آنچه در این مقاله مد نظر واقع شده، نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک و به‌ویژه واقع‌گرایی تدافعی است. واقع‌گرایی نوکلاسیک شامل دو شاخه می‌باشد: واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی.

به‌نظر تالیفرو، واقع‌گرایی تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است: معضل امنیت، ساختار ظریف قدرت، برداشت‌های ذهنی رهبران، و عرصه سیاست داخلی. این نظریه به امکان بروز شرایط جنگی یا مخاصمه‌جویانه توجه دارند. جک استایدر و استفن والت مهم‌ترین واقع‌گرایان تدافعی محسوب می‌شوند. تاکید والت بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای موازنه قدرت است. او معتقد است که ائتلاف‌ها جهت موازنه در قبال تهدیدها شکل می‌گیرند. والت استدلال می‌کند که تهدیدها می‌توانند از قدرت، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت توسعه‌طلبانه و تهاجمی نشئت بگیرند. وی عقلانیت حاکم بر دولت‌ها را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کند که تمایل موازنه‌ای را تا حد زیادی منوط به اثرگذاری آن می‌سازد.^۳ نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی معتقدند: علاوه بر افزایش قدرت نیت بازیگران، نوع قابلیت که تدافعی باشد یا تهاجمی و مجاورت و نزدیکی

جغرافیایی در واکنش دولت‌ها در مقابل سایر بازیگران موثر است.^۴ در واقع تهدید عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی، و نیت تجاوزکارانه احتمالی آن. پس صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم هستند. به این معنی که، آنچه در روابط میان دولت‌ها حایز اهمیت است، برداشت آنها از یکدیگر به‌عنوان تهدید می‌باشد و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشند. به‌نظر والت در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی دامن‌گستر، آنها را تهدیدزاتر و ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی دولت‌های قدرتمند دیگر را با مخاطره مواجه می‌کند. اگر دولتی با منابع مادی وسیع به چنین توانمندی‌های تهاجمی دست یابد، سایر دولت‌ها احتمالاً به موازنه روی خواهند آورد.^۵ امنیت در شرایطی در نظام افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به‌هنگار بدل شده باشد، ایدئولوژی تاثیر زیادی نداشته باشد و یا اغلب عامل تفرقه باشد و کمک و نفوذ بیگانه علل نسبتاً ضعیفی در شکل‌گیری ائتلاف‌ها باشند. در برابر قدرت تهدیدگر، اغلب سیاست موازنه پیش گرفته می‌شود که به‌معنای اتحاد دولت‌ها در مقابل دولتی است که آنها را تهدید می‌کند. هر قدر دولت‌ها قوی‌تر باشند و یا احتمال جلب حمایت دیگر متحدان خود را بیشتر بدانند، و هر قدر که دولت مقابل تجاوزکارتر تلقی شود، احتمال اینکه سیاست موازنه را در پیش گیرند بیشتر می‌شود. اما در مواردی نیز دولت‌ها به‌خصوص آنهایی که ضعیف‌ترند و یا در طول جنگ تصور می‌کنند که یک طرف به پیروزی نزدیک می‌شود، احتمال آنکه سیاست همراهی با آن را در پیش گیرند، بیشتر می‌شود. در این بحث نیز تاکید والت بر تصورات و برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر است.^۶

مایکل استاندونو استدلال می‌کند که واقع‌گرایان انتظار دارند دولت - ملت‌ها از شکاف‌هایی که به‌نفع شریکانشان است اجتناب کنند، اما لزوماً شکاف‌ها را به‌نفع خود به حداکثر نرسانند. دولت‌ها افزاینده شکاف‌ها نیستند. آنها به بیان جان گریکو «مدافعان موقعیت» خود هستند.^۷

در این نوشتار نیز با توجه به مخالفت سوریه با سیاست‌های ایالات متحده در منطقه و هم‌سویی آن با ایران و نیروهای مقاومت، همچنین افزایش قدرت نیروهای اسلام‌گرا در منطقه و

رشد ایدئولوژی‌های مخالف حضور ایالات متحده و متحد درجه اول آن یعنی اسرائیل در منطقه، ایالات متحده را وادار ساخته است در مقابل تهدید موجود به مقابله برخیزند و از روند روبه‌رشد آن جلوگیری کنند. اسرائیل در همسایگی سوریه واقع شده و حمایت سوریه از نیروهای مقاومت باعث ایجاد احساس کاهش امنیت این کشور شده است. تهدیدی که اسرائیل از این ناحیه احساس می‌کند، به دلیل نداشتن عمق راهبردی بسیار جدی و مهم است، از این رو همواره تلاش کرده است با افزایش توان نظامی خود و دراختیار داشتن سلاح هسته‌ای و استفاده از رایزنی‌های خود در ایالات متحده به حداکثرسازی امنیت خود بپردازد. شرایط پیش آمده در سوریه، موقعیت مناسبی است که ایالات متحده با شکستن محور مقاومت در منطقه امنیت اسرائیل را افزایش دهد. از سوی دیگر، با کنار رفتن دولت موجود در سوریه که متحد ایران و روسیه است، این امکان به وجود می‌آید که ایالات متحده به اهداف مورد نظر خود برسد.

دو. سوریه و تحولات پیش‌رو

نقطه آغاز بروز تحولات سیاسی سوریه، سال ۲۰۱۱ و انجام تظاهرات‌هایی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است. مطالبات جامعه سوریه عبارت بودند از: بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی، مبارزه با فساد اقتصادی و رشوه‌خواری، انجام پروژه‌های عمرانی و از میان برداشتن فضای امنیتی حاکم بر جامعه. پس از وقوع اعتراض‌های مردمی برای اصلاحات، رییس‌جمهور سوریه طرح خود را برای انجام اصلاحات ارائه داد. بر این مبنای بشار اسد قانون اساسی جدید این کشور را که در همه‌پرسی ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ با اکثریت آرا به تصویب رسیده بود، تأیید نمود. وجود آشوب‌ها و عدم ثبات سیاسی در این کشور و کشورهای مجاور و وجود چالش‌های سیاسی و مرزی با همسایگان راهبردی، باعث به وجود آمدن تهدیدهایی برای ژئوپلیتیک سوریه شده است. بی‌تردید سوریه پیچیده‌ترین کشور عربی در تحولات اخیر برای همه بازیگران از جمله ایالات متحده است. مخالفت سوریه با سیاست‌های ایالات متحده در منطقه و هم‌سویی با ایران، به رسمیت نشناختن اسرائیل و مخالفت با طرح‌های صلح اعراب و اسرائیل در مساله فلسطین

منجر به احساس خطر از این ناحیه برای ایالات متحده و متحدانش شده است. به همین دلیل و بنابر اهمیت راهبردی سوریه و سیاستی که این کشور در قبال این دولت‌ها اتخاذ کرده، باعث مقابله شدید آمریکا و جریان محافظه‌کار با این کشور در فضای بین‌المللی شده است.^۸

سه. سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در سوریه

دولت سوریه در همه تحولات خاورمیانه به گونه‌ای ثابت‌قدم، هم‌سو و هماهنگ با منادیان ضرورت مقابله با سیاست‌های ایالات متحده و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی حرکت کرد، از مقاومت ضدصهیونیستی لبنان علیه اسرائیل و نیز مقاومت ملت عراق علیه اشغال‌گران آمریکایی جانب‌داری کرد و به‌صورت هم‌پیمان راهبردی ایران در امور سرنوشت‌ساز منطقه‌ای شناخته شد. اظهارات معاون وزیر امور خارجه آمریکا در مورد وضعیت بحرانی سوریه و اینکه اگر رهبران دمشق در روابط خود با حزب‌الله لبنان، جنبش حماس در فلسطین و ایران تجدیدنظر کنند، اوضاع داخلی سوریه به حالت عادی باز خواهد گشت، پرسش‌های گوناگونی درباره نقش ایالات متحده در طراحی و تشدید بحران داخلی سوریه مطرح می‌کند.^۹ واقعیت این است که ایالات متحده در قبال سیاست‌های سوریه در حوزه‌های عراق، فلسطین و لبنان به‌خشم آمده و در سایه تحولات جاری خاورمیانه فرصت را مغتنم شمرده است تا به‌صورت یکجا با دولت سوریه تسویه حساب کند. هدف اصلی ایالات متحده تغییر رژیم در سوریه است و در این راستا اقداماتی را در پیش گرفته است که به اختصار به آنها می‌پردازیم:

الف. تجهیز مخالفان

ایالات متحده با تجهیز مخالفان برای گذار به دموکراسی مطلوب، فرایند دموکراتیزاسیون را از چرخه آرام و منطقی خود بیش از حد خارج ساخته، بر آتش جنگ داخلی در این کشور بیش از پیش دامن زده است. واضح است اصلاحات سیاسی و دموکراتیزاسیون در صورتی که به‌سرعت و طی یک فرایند ناآرام صورت گیرد، موجب ناامنی فزاینده در کشورها و حتی منطقه خواهد شد. این اقدام با هدف سقوط رژیم بشار اسد و تامین امنیت اسرائیل از یک‌سو و ایجاد ناامنی در

منطقه جهت رسیدن به برخی اغراض سیاسی خود در منطقه مانند فروش تسلیحات برای مدیریت بحران اقتصادی داخلی اش و تسری دادن ناامنی به درون مرزهای کشورهای ناهم‌سو با سیاست‌های ایالات متحده صورت می‌گیرد. کوتاه کردن دست ایران و روسیه از منطقه شامات که دارای اهمیت راهبردی است و تامین امنیت اسرائیل، دلایلی است که ایالات متحده نمی‌تواند به‌آسانی از کنار آنها عبور کند.

در این راستا جان مک‌کین، سناتور جمهوری خواه و چهار سناتور دیگر از جمله لیندسی گراهام و جو لیبرمن در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۱۲ از کاخ سفید خواستند تسلیحات و سایر حمایت‌ها و کمک‌های مادی را در اختیار مخالفان سوری قرار دهد.^{۱۰} همچنین، اوپاما و رجب طیب اردوغان نیز ۲۵ مارس ۲۰۱۲ درباره نیاز به ارسال کمک‌های «غیرمربگار» از جمله تجهیزات ارتباطی به شورشیان مسلح سوریه با یکدیگر توافق کردند.^{۱۱} اما گزارش‌ها حاکی از ارسال راکت‌انداز آمریکایی «ام ۷۲» و موشک‌های حرارتی به مخالفان است؛ حتی مخالفان تهدید به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کرده‌اند.^{۱۲} نیروهای آمریکایی و ناتو مخالفین سوری را در استان حکاری در جنوب شرق ترکیه تحت فرماندهی ریاض الاسد، فرمانده ارتش آزاد سوریه، از می ۲۰۱۱ آموزش می‌دهند. همچنین ایالات متحده در قاچاق سلاح به این کشور از پایگاه نظامی اینجرلیک در ترکیه نقش داشته و از مخالفین دولت بشار اسد حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند.^{۱۳} هفته‌های بعد نیز اعلام شد که با حمایت ایالات متحده شماری از نیروهای وابسته به القاعده در لیبی به مرز سوریه با ترکیه اعزام شده‌اند. کشورهای غربی با پناه دادن، سامان‌دهی و کمک به تغذیه مالی و تسلیحاتی گروه‌های مخالف و معارض سوری و پشتیبانی از آنها با تشدید فشار بین‌المللی بر سوریه و ترغیب اتحادیه عرب به تعلیق عضویت سوریه نقش اساسی در تشدید ناآرامی‌ها در سوریه دارند.^{۱۴} حتی پس از بازدید کوفی عنان، نماینده سازمان ملل متحد در امور سوریه، از آن کشور، ایالات متحده از حمایت و تجهیز مخالفان سوریه دست برداشت و در رسانه‌ها اعلام کرد که به مخالفان ۲۵ میلیون دلار کمک خواهد کرد. در نتیجه حمایت‌های ایالات متحده، نیروهای مسلح سوری با نقض آتش‌بس مورد حمایت سازمان ملل بارها با نیروهای امنیتی سوریه درگیر شده و کشتار زیادی را در مناطق مختلف انجام دادند، تا جایی که کار به تعلیق فعالیت‌های

ناظران بین‌المللی در سوریه رسید. القاعده از طریق زیرشاخه خود موسوم به «جبهه کمک به اهل شام» در ماه‌های گذشته، حملات تروریستی را در مناطق پرجمعیت و محل تردد دانش‌آموزان و دانشجویان با هدف منع اجرای موفقیت‌آمیز طرح کوفی‌عنان افزایش داده است.^{۱۵} گزارش‌ها از انتقال محموله‌های تسلیحاتی اسرائیل از طریق کردستان به عراق به مخالفان سوری خبر می‌دهند. موفاز به‌عنوان فرمانده سابق اسرائیل، با اشاره به اینکه گزینه‌های اسرائیل در قبال سوریه محدود هستند، اعلام کرد که اسرائیل مجبور است برای اقدامی بین‌المللی در مورد سوریه به رایزنی و اعمال نفوذ بپردازد. دنی آیلون، معاون وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، نیز از آمادگی رژیم تل‌آویو برای کمک به مردم سوریه جهت پناهندگی به اردن و کشورهای دیگری که با جامعه یهود رابطه دارند، خبر داده است.^{۱۶}

وزیر خارجه ایالات متحده با هم‌تایان غربی خود در ۷ ژوئن ۲۰۱۲ در ترکیه گردهم آمدند تا تحت پوشش همایش مبارزه با تروریسم، تلاش‌های براندازانه در سوریه را با هماهنگی بیشتری به کار بگیرند، به طوری که هم‌زمان در قطر صندوق پشتیبانی مالی برای این هدف تعیین شد. در تحولی بی‌سابقه کشورهای مخالف سوریه برای تامین هزینه براندازی دولت سوریه، صندوقی تحت‌عنوان «همایش تجاری سوریه» تشکیل دادند و در آن از تاسیس صندوق حمایتی به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار با نام «سوریه امید یا امید سوریه» خبر دادند.^{۱۷}

ب. هم‌سوسازی کشورهای منطقه

در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به سوریه و تحولات مربوط به اوضاع داخلی در این کشور، آنچه قابل مشاهده است حضور بازیگران متعدد منطقه‌ای و نقش‌های متفاوت دوستان آمریکا در این صحنه است. در بین کشورهای منطقه، عربستان و قطر دو کشور مهم در طرح ایالات متحده هستند که به شدت از سرنگونی دولت سوریه حمایت می‌کنند. حمایت آشکار القاعده از مخالفان اسد که آبشخور ایدئولوژیک مشترکی با آنان و اصلی‌ترین حامی سناریوی ضدسوری در منطقه یعنی عربستان دارد، صحنه جدیدی را در مناسبات خارجی آن رقم خواهد زد. دعوت عام ایمن الظواهری، مرد شماره یک القاعده، از جهادیون مسلمان برای پیوستن به

مخالفان اسد، نشان‌دهنده این حقیقت است که جنگ طائفی در منطقه، از مدت‌ها پیش آغاز شده است و بدون تردید کشورهای غربی نیز آتش‌بیار پیدا و پنهان آن شده‌اند. از اخبار منتشره از سایت‌های منتسب به القاعده، به‌خوبی می‌توان استنباط کرد که نوعی وحدت عمل و اتحاد ایدئولوژیک میان القاعده، سلفی‌ها و افراطیون حاضر در منطقه علیه بشار اسد که در حوزه و بلوک ایدئولوژیک ایران شیعی قرار دارد، به‌وجود آمده است که با استنباط به موضع‌گیری‌های یکسان غربی‌ها در این موضوع، سر بیرونی آن نیز در دامن آنها قرار دارد.^{۱۸}

۱۲۳

در این بین نشست‌ها با عنوان «نشست تروریستی» در شهر دوحه به ریاست حمد بن جاسم، نخست‌وزیر قطر، برگزار شد. سمیر جعجع و جمعی از مسئولان اطلاعاتی و جاسوسی عربستان، ترکیه و همچنین شماری از دیپلمات‌های آمریکایی و فرانسوی از طرف‌های شرکت‌کننده در این نشست بودند. حمد بن جاسم در آنجا تاکید کرد برای هر یک از تروریست‌ها به شرط انجام عملیات تروریستی موفقیت‌آمیز که منجر به کشته‌شدن شمار زیادی از مردم سوریه شود، پاداش ماهیانه در نظر گرفته شده که در بانک‌های عربستان، قطر و ترکیه به ودیعه گذارده شده است. همچنین، قطر اقدام به تشکیل نیروی مسلحی متشکل از بنیادگرایان تندرو و بازمانده‌های جنگجویان القاعده در عراق کرد تا از ترکیه وارد سوریه شوند، لذا این مبالغه نیست که بگوییم اعزام گسترده مبارزین جهادی از سراسر خاورمیانه عربی و حتی کشورهای آفریقایی از جمله سومالی، سودان، مصر و مراکش به سوریه، ریشه در دلارهای نفتی دارد. عربستان و قطر در حال تشکیل یگان‌ها و گروه‌های این نیرو در خاک ترکیه هستند. هسته اولیه این نیرو متشکل از یک‌هزار رزمنده از رزمندگان سازمانی به نام «انصار السنه» است که یکی از شاخه‌های القاعده در عراق را تشکیل می‌دهد.^{۱۹} در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد آمریکایی‌ها یک‌بار دیگر مانند دهه ۱۹۸۰ با گروه‌های افراطی اعم از سازمان تروریستی القاعده و جهادگران مسلمان سنی سلفی‌های افراطی اشتراک منابع پیدا کرده‌اند.

در دیدار محرمانه نخست‌وزیر قطر در ترکیه، رییس سازمان مرکزی جاسوسی ایالات متحده و جمعی از مقامات جاسوسی ترک نیز حضور داشتند. در این نشست همچنین بر ضرورت جذب تروریست‌های بیشتر و مسلح کردن و در مرحله بعد اعزامشان به سوریه از طریق نمایندگان

دستگاه‌های جاسوسی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در لبنان تاکید شد. عناصر وهابی سلفی تاکنون صدها هزار دلار برای خریدن برخی افراد در گمرک مرزی جهت تسهیل انتقال سلاح به سوریه صرف کرده‌اند. البته نباید اهداف دیگر آنها از جمله ایران و حزب‌الله را هم نادیده انگاشت. ایران‌هراسی و ترس از قدرت روزافزون آن و روی کار آمدن احزاب اسلام‌گرا در بسیاری از کشورهای عربی منطقه، عامل به‌سزایی در نحوه عملکرد این دو کشور دارد. مقامات دمشق مشغول آماده‌سازی پرونده‌ای مستند تحت نظارت حقوق‌دانان بین‌الملل از جنایات حکام قطر و عربستان در کشورشان هستند. مقامات سوریه قصد دارند پس از تکمیل این پرونده آن را به محافل و نهادهای بین‌المللی و حقوقی و قانونی تحویل بدهند. این پرونده، شامل اعترافات و اسنادی است که حکام عربستان و قطر را که به نیابت از ایالات متحده و اسرائیل وارد جنگی کثیف علیه ملت سوریه شده‌اند، محکوم می‌کند.

در تحولات سوریه ایفای نقش دیپلماتیک به ترکیه واگذار شده است. در واقع، ترک‌ها سوریه را به‌عنوان مهم‌ترین فرصت برای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه تلقی می‌کنند و معتقدند با هرگونه تغییر در حاکمیت این کشور، قدرت نفوذ ترکیه در سوریه و در نتیجه خاورمیانه عربی بسیار افزایش خواهد یافت. میان ایالات متحده و ترکیه درباره مساله سوریه هماهنگی وجود دارد و این هماهنگی نشان‌دهنده نقش سیاسی دیپلماتیک و هماهنگ‌کنندگی خاصی است که آنکارا در تحولات مربوط به سوریه به عهده گرفته است. در این هماهنگی از یک‌سو هماهنگی برای تبدیل ترکیه به مامنی برای مخالفان رژیم اسد شده و از سوی دیگر، هماهنگی میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را دنبال می‌کند. شاید بتوان گفت سخت‌گیرانه‌ترین موضع‌گیری‌ها درباره تحولات سوریه را ترکیه اتخاذ کرد. وزیر امور خارجه ترکیه اعلام کرد، آنکارا به‌دنبال برخورد سوریه با ناآرامی‌های اوایل تحولات آن، تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه دمشق اعمال می‌کند. این تحریم‌ها در حالی اعمال شد که برخی از قانون‌گذاران و سیاست‌مداران ترکیه درباره صدمه ناشی از این تحریم‌ها بر اقتصاد این کشور هشدار داده‌اند. احمد داوود اوغلو در مصاحبه مطبوعاتی گفت، آنکارا همه تعاملات مالی با دولت و بانک مرکزی سوریه را قطع می‌کند و دارایی مقامات این کشور توقیف خواهد شد.

ترکیه از ماه‌های آغازین درگیری‌ها در سوریه، از مخالفین آن حمایت کرد. ایجاد پایگاه‌هایی در نقاط مرزی برای استقرار مخالفان، تجهیز آنان، باز کردن مرزها برای انتقال تجهیزات به داخل سوریه، برگزاری دیدارهای مختلف با مقامات ارشد آمریکایی برای بررسی روند تحولات سوریه و تصمیم‌گیری درباره انجام اقدامات مشترک در داخل خاک سوریه، از جمله اقدامات ترکیه در قبال تحولات سوریه است. ترکیه شبکه‌ای برای حرفه‌ای کردن تروریست‌های سوریه در جنوب کشور خود ایجاد کرده است که تسلیحات، تجهیزات ارتباطی (ماهواره‌ای، دوربین‌های تصویربرداری و فرستنده‌های رادیویی)، وسایل امدادی و حتی مستمری و حقوقی برای نیروهایی که زخمی شده‌اند را تامین می‌کنند. حتی برای نیروهای مخالف حقوق بالای ۲۰۰ دلار در ماه تعیین کرده‌اند. باوجود این عملیات بزرگ، جنگنده آمریکایی اف-۴ ترکیه در سوریه که حاوی برنامه رمزدار اسرائیلی بود، با شکست روبه‌رو شد. شهر استانبول ترکیه بارها میزبان نشست مخالفان نظام سوریه بوده است. در واقع رجب طیب اردوغان، ترکیه را تبدیل به پایگاه گروه‌های مسلح سوری نموده است. این در حالی است که احزاب ترکیه مخالف این مواضع ترکیه هستند.

ج. طرح حمله به سوریه

بر اساس یک سند اطلاعاتی آمریکایی - انگلیسی که فاش شده است، سازمان سیا (اطلاعات مرکزی آمریکا) و ام‌آی‌۶ (سرویس اطلاعات مخفی انگلیس) به محض اینکه برای ایجاد اختلال‌های داخلی در سوریه به توافق می‌رسند، برای ایجاد خرابکاری‌های جزئی، حوادث ساختگی و ضربه زدن به سوریه، تلاش می‌کنند از طریق برقراری تماس با عوامل مستقر در این کشور وارد عمل شوند. همچنین سیا و ام‌آی‌۶ باید توانایی‌هایشان را در زمینه جنگ روانی و عملیاتی به‌منظور افزایش تنش در این کشور به کار گیرند. هارولد مک‌میلان، نخست‌وزیر انگلیس، و دوايت آیزنهاور، رییس‌جمهوری ایالات متحده در سال ۱۹۵۷، طرح سیا - ام‌آی‌۶ را با هدف ایجاد حوادث ساختگی در مرزهای سوریه به‌عنوان دستاویزی برای تهاجم کشورهای هم‌جوار (به این کشور) تایید کرده بودند. در واقع آنها برای جایگزینی دولت بعثی متمایل به کمونیست‌ها در این کشور با دولتی که حامی غرب باشد، برنامه‌ریزی کرده بودند. با وجود تلاش واشنگتن برای

تصویب قطعنامه ضدسوری در راستای تکرار سناریوی جنگ لیبی در خصوص دولت بشار اسد، روسیه و چین این قطعنامه را وتو کرده‌اند.^{۲۰} لندن، نویسنده آمریکایی، پیش‌بینی کرد که طرح‌ها طولانی مدت هستند. این طرح‌ها با یا بدون حمایت سازمان ملل انجام می‌شوند. وی معتقد است دخالت‌های اخیر نظامی، بخشی از پروژه «خاورمیانه جدید» واشنگتن است که هدف از آن کنترل آفریقای شمالی، خاورمیانه و آسیای مرکزی تا مرزهای روسیه و چین است. دو تن از فرماندهان ارشد پنتاگون اعلام کردند اوباما دستور بررسی طرح‌های حمله به این کشور عربی را نیز صادر کرده است.^{۲۱}

ژنرال دیمیتری روگوزین، نماینده روسیه در ناتو، فاش کرد که ناتو طرحی را برای عملیات نظامی علیه سوریه روی میز دارد که هدف از آن براندازی نظام بشار اسد است. بر اساس این طرح، طی چند هفته مراکز فرماندهی و کنترل سوریه مورد حمله هوایی قرار گرفته، و در نهایت با تسلیم ارکان نظام و محاکمه آنها در دادگاهی ویژه در این کشور خاتمه می‌یابد. در این طرح پیش‌بینی شده است در صورت مخالفت چین و روسیه، ناتو عملیات خود را بدون حمایت بین‌المللی اجرایی کند. در همین راستا تماس‌هایی محرمانه در سطوح بسیار عالی با کشورهای اصلی عضو ناتو، به‌ویژه ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، آلمان و انگلیس از یک‌سو و برخی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و در راس آنها عربستان سعودی از سوی دیگر، برقرار شده است.^{۲۲} حتی طرحی برای عملیات هوایی علیه سوریه در نظر گرفته شده بود که با مشارکت جنگنده‌های ایالات متحده، ترکیه، فرانسه، ایتالیا و انگلیس صورت می‌گرفت و برای حملات هوایی علیه سوریه از پایگاه آمریکایی انجیرلیک و پایگاه‌های هوایی ترکیه‌ای دیاربکر در ترکیه و پایگاه‌های هوایی لیماسال قبرس استفاده می‌شود.^{۲۳}

سوزان رایس، نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد، پس از نشست شورای امنیت در پشت درهای بسته درباره حوادث سوریه گفت: «اگر شورای امنیت اقدام قاطعی برای اعمال فشار بر مقامات سوری و پایان دادن به درگیری‌های ۱۴ ماهه در این کشور صورت ندهد، اعضای این شورا گزینه‌ای جز اقدام در خارج از چارچوب سازمان ملل ندارند.» با توجه به اینکه ایالات متحده و کشورهای اروپایی پیش از این تحریم‌هایی را خارج از سازمان ملل متحد علیه سوریه

اعمال کرده‌اند، این نگرانی وجود دارد که سخنان وی به معنای اقدام نظامی باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد به خاطر تفرق گسترده بین گروه‌های مخالف و همچنین شکاف بین مردم، اوباما حاضر به دخالت نظامی در این کشور نشود. بروز یک جنگ دیگر به هیچ وجه در فهرست آرزوهای رییس‌جمهور ایالات متحده نیست.

د. جنگ رسانه‌ای علیه سوریه

۱۲۷

ایالات متحده در جریان اقدامات خود در سوریه از رسانه‌های جمعی بهره فراوان برد و از آن به‌عنوان اهرم فشاری بر سوریه استفاده کرد. جنگ رسانه‌ای علیه سوریه بسیار دقیق و مهندسی شده است و رسانه‌های خبری غرب و جهان عرب هر روز با استفاده از ابزارهای خبری تلاش می‌کنند توجه مردم آن کشور و جهانیان را به این نقطه از خاورمیانه جلب کنند. رسانه‌های غربی ماموریتی شبیه به نیروهای جاسوسی خود دارند. تقویت روحی معترضان، حمله به آرمان‌های حکومت و انتشار اتهامات واهی علیه دولت از جمله سیاست‌های ضدسوری این رسانه‌هاست که در مورد دیگر مخالفان خود مانند ایران و لبنان نیز استفاده شده و اکنون علیه سوریه به اوج خود رسیده است.

ناتو اقدام به ساخت برنامه کودتای دروغین از کشتار فرقه‌ای در سوریه با هدف تضعیف روحیه سوری‌ها و راه انداختن موجی از عملیات روانی، و تخریب انگیزه حمایت‌های مردمی از دولت بشار اسد آماده می‌کنند؛ چون این تنها راه دور زدن روسیه و چین است. حتی غرب و متحدان عرب آنها برای تحریف حقایق سوریه به منظور متهم کردن ارتش این کشور به کشتار پرداخته است. نبرد نرم رسانه‌ای دشمنان علیه سوریه، باعث شده است حتی حقایقی که وضوح آن بر همگان آشکار است، وارونه جلوه داده شود و آن را به رژیم حاکم نسبت دهند که انفجارهای تروریستی از جمله آنهاست. آنها قصد دارند ارتش سوریه را به نقض حقوق شهروندان سوری و ترور غیرنظامیان متهم کنند. همین‌طور از جنجال رسانه‌ای برای انتشار یک شایعه یا هنر پروپاگاندا و خبرسازی و جعل تصاویر علیه سوریه استفاده کردند.^{۲۴}

این جنگ رسانه‌ای علاوه بر غرب از سوی برخی از کشورهای جهان عرب نیز حمایت و هدایت می‌شود و در این مورد شبکه‌های خبری مانند «الجزیره و العربیه» که متعلق به قطر و

عربستان سعودی است، حتی گوی سبقت را از هم‌تایان غیرعرب خود در تعمیق جنگ رسانه‌ای بر ضد حکومت سوریه ربوده‌اند.^{۲۵} در اینجا دو هدف دنبال می‌شود: نخست، انتشار شایعه و اخبار غلط؛ و دوم، سانسور کردن هرگونه پاسخی از طرف مقابل. در این راه حتی حاضر به پرداخت رشوه به اصحاب رسانه شده‌اند، به طور مثال در اقدامی که توطئه آشکار وهابیت سعودی خوانده شده، وزارت حج این کشور با ارسال ۳۰۰ دعوت‌نامه برای اصحاب رسانه مصر از آنها برای ادای فریضه حج دعوت کرده است.^{۲۶}

در همین راستا دوحه و ریاض، میزبان برنامه‌ریزان و سازندگان برنامه‌های دروغین تلویزیونی علیه سوریه شدند. دو نشست اول، جلسه‌های فنی بودند که در دوحه قطر برگزار شدند، و سومین نشست هم جلسه‌ای سیاسی بود که در ریاض عربستان برگزار شد. آنها در این نشست، اطلاعات غلط و ساختگی را بر اساس یک طرح داستان‌سرایی که توسط تیم «بن رودز» در کاخ سفید ارائه شد، ایجاد کردند. در این روند، یک ساختار اعتباربخشی دوجانبه در نظر گرفته شد که بر اساس آن قرار شده است هر رسانه دروغ رسانه دیگر را مجدداً تکرار کند تا این اطلاعات برای تماشاگر تلویزیونی باورپذیرتر به نظر برسد. آنان در این مسیر نه تنها خواهان به‌کارگیری شبکه‌های تلویزیونی سیا در سوریه و لبنان (برازا، فیوچر تی وی، ام تی وی، اورینت نیوز، سیریا چاب، و سیریا القد) شدند، بلکه درخواست کردند ۴۰ شبکه تلویزیونی وهابی نیز به‌کار گرفته شوند تا از آنها برای نمایش کشتار استفاده شود.^{۲۷} در حال حاضر ۶۳ کانال عربی به‌طور شبانه‌روزی اخبار ساختگی و غیرواقعی علیه نظام سوریه پخش می‌کنند.

دولت سوریه با اینکه از لحاظ توانایی نبرد رسانه‌ای با دشمنانش در سطح بسیار پایین تری قرار دارد، اما با همان اندک بضاعت خود توانسته است با افشای ترفندهای خبری و شگردهای تبلیغاتی آنها در زمینه افزایش تعداد قربانیان، شهیدسازی و ... مقابله کند. درخواست قطر از نایب‌رئیس عربست برای قطع پخش برنامه‌های تلویزیون سوریه اعم از عمومی و خصوصی (تلویزیون سوریه، الکبریا، الدنیا، چم تی وی، و غیره)، نشان از شکست آنان در عرصه رسانه‌ای دارد.

چهار. چرایی سیاست‌های ایالات متحده آمریکا

موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک منطقه خاورمیانه در پیشبرد طرح‌های راهبردی غرب و به‌ویژه ایالات متحده جایگاه منحصر به فردی دارد. افزون بر این، تعهد و التزام غربی‌ها به حفظ و تأمین امنیت اسرائیل، مسأله‌ای است که اهمیت خاورمیانه را برای غرب بیش از پیش می‌افزاید. در این میان ژئوپلیتیک سوریه به این کشور جایگاهی راهبردی بخشیده و آن را نزد قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با اهمیت نموده است. به‌طور کلی، اهمیت ژئوپلیتیک سوریه ناشی از این عوامل است: یک. داشتن جایگاه مرکزی در حوزه‌های ژئوپلیتیک آسیای صغیر و دریای مدیترانه، شبه‌جزیره عربستان و به‌طور کلی خاورمیانه؛ دو. پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب-اسرائیل؛ و سه. «حلقه وصل» اعضای محور مقاومت شامل ایران، عراق، حزب‌الله لبنان و حماس (فلسطین). در ادامه به بررسی چرایی سیاست‌های ایالات متحده می‌پردازیم:

۱۲۹

الف. قطع نفوذ روسیه در منطقه

تحولات سوریه نشان می‌دهد هنوز منافع متعارضی میان ایالات متحده و روسیه در منطقه وجود دارد و اولویت‌های متفاوتی بر سیاست خارجی دو کشور اعمال می‌شود. آنچه در سوریه رخ می‌دهد، فرصتی را در اختیار روس‌ها قرار می‌دهد تا میزان قدرت، کارآمدی و دقت تجهیزات نظامی خود را در برابر چشمان ایالات متحده به نمایش بگذارند. لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در بیان اولویت‌های روسیه در سوریه، از وجود حدود ۴۵ هزار شهروند روسی در سوریه خبر داد و گفت: «حضور این افراد، جنبه فرهنگی حضور روسیه در خاورمیانه به‌شمار می‌روند و مسکو اجازه نخواهد داد اتفاقی که در لیبی برای شهروندان روس افتاد، در سوریه نیز تکرار شود.»^{۲۸} اما مهم‌ترین علت ورود روسیه به مسأله سوریه را باید در حساسیت آنها نسبت به پیشروی نیروهای نظامی ناتو به نزدیکی مرزهایش بررسی کرد.

با نفوذ ایالات متحده به سوریه مسلماً منافع روسیه در منطقه قفقاز که خط امنیت ملی روسیه است، به‌خطر می‌افتد. روسیه درصدد است سوریه را همچنان به‌عنوان یک نظام سیاسی برون‌گرا که به ایفای نقش منطقه‌ای خود در راستای منافع روسیه مبادرت ورزیده است، حفظ نماید.^{۲۹}

سوریه آخرین حلقه از متحدان راهبردی روسیه در خاورمیانه است و نابودی آن به معنای ورود ناتو به حیات خلوت منافع روس‌ها و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه و در نهایت ناکامی در تحقق مبانی سند رهنامه امنیت ملی روسیه است.

روسیه می‌خواهد مطابق برنامه خود ناظران غیرمسلح صلح بین‌المللی به اراضی سوریه گسیل شوند، در حالی که ایالات متحده با فشارهای بسیار به «کنفرانس بین‌المللی دوستان ملت سوریه» یا گردهمایی پاریس تلاش می‌کند طرح خود را پیش ببرد، به همین دلیل دایما تحریم‌ها را افزایش می‌دهد و کمک‌های مختلف به مخالفان نظام سوریه می‌کند. در چنین شرایطی حمایت‌های روسیه مانع از تسریع روند تغییر حکومت در سوریه گردید. ایالات متحده کشتی‌های خود را به نزدیکی آب‌های سوریه برد و ناوهای هواپیمابر خود در خلیج فارس را به حرکت درآورد، اما پاسخ روسیه و چین بسیار دندان‌شکن بود؛ چون می‌دانند که توازن جدید قدرت در منطقه فقط از طریق ثبات سوریه امکان‌پذیر است. مسکو بخشی از نیروی دریایی و ارتش خود را به سوریه فرستاد که در راس آن ناو هواپیمابر بود. روسیه از زمانی که موفق شد همه طرح‌ها و قطعنامه‌های احتمالی شورای امنیت علیه سوریه را خنثی کند و طرح خود را در قالب طرح کوفی‌عنان به پیش ببرد، مرحله جدیدی از سیاست خود را آغاز کرد که در تاکید مستقیم مسکو بر حضور ایران نمود یافت و در هر دیدار بین‌المللی درباره سوریه بر این امر تاکید کرد و اعلام داشت که خارج از طرح کوفی‌عنان راهکاری وجود ندارد. لاوروف با اعلام حمایت مجدد کشورش از طرح کوفی‌عنان برای حل بحران سوریه و انتقاد از مانع‌تراشی‌ها و کارشکنی‌های غربی‌ها و رژیم‌های عربی در برابر آن، هشدار داد سناریویی که در لیبی رخ داد، در صورت تکرار در قبال سوریه، منجر به فاجعه خطرناکی می‌شود. وی همچنین تاکید کرد: روسیه هرگز از هر طرحی که از خارج بر سوریه تحمیل شود، حمایت نخواهد کرد و تنها از تغییرات در سوریه که به تحقق وحدت ملی و حل بحران کمک کند، حمایت می‌نماید.^{۳۰}

طرح ارایه شده از سوی عنان، دربرگیرنده مراحل زنجیره‌ای فرایند انتقال دموکراتیک قدرت در سوریه از جمله تشکیل دولت وحدت ملی موقت است که باید زمینه بی‌طرفانه‌ای را برای انتقال دموکراتیک فراهم سازد. در این سند با عنوان دیدگاه‌ها و اصول انتقال دموکراتیک با هدایت

سوری‌ها، عنان تاکید کرده است که ملت سوریه خود آینده کشور خویش را مشخص خواهند کرد. این دولت اختیارات اجرایی واقعی خواهد داشت. در بخش دیگری از این سند، گفت‌وگوی ملی گسترده و بازنگری در قانون اساسی و سیستم قضایی پیش‌بینی شده است که باید به فراندوم گذاشته شود. پس از آن، انتخابات آزاد و سالم و تکثرگرا برگزار می‌شود.

مقامات روسیه پیشنهاد برگزاری کنفرانسی بین‌المللی در خصوص سوریه را دادند که می‌تواند حدود ۱۵ کشور، از جمله اعضای دایم شورای امنیت سازمان ملل (شامل روسیه، آمریکا، چین، فرانسه و انگلیس) و همسایگان سوریه، از جمله لبنان، اردن، عراق، ترکیه و ایران شرکت داشته باشند. علاوه بر این، نمایندگان بلندپایه سازمان‌های بین‌المللی، از جمله اتحادیه کشورهای عربی، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد هم باید در این کنفرانس حضور داشته باشند تا همه طرفین در مناقشه سوریه بتوانند پای میز مذاکره نشسته و حرف خود را بزنند.^{۳۱} به باور روسیه، هرگونه دخالت نظامی در سوریه تاثیر منفی بر تمام منطقه خواهد گذاشت. این کنفرانس خارج از چارچوب‌های شورای امنیت برگزار می‌شود و در آن تهدید به مداخله نظامی و تصویب مجازات‌ها علیه نظام سوریه وجود نخواهد داشت و این وضع بیانگر عقب‌نشینی کشورهای غربی و به‌طور مشخص ایالات متحده و دستاوردی مهم برای مقامات روسیه است.

روسیه همچنین به ناتو نیز در خصوص اقدام علیه سوریه هشدار داده است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، اعلام کرد که به هر طریق حتی به زور، در برابر هرگونه مداخله نظامی غیرقانونی ناتو در سوریه می‌ایستد. همین‌طور به ترکیه اعلام کرده با هرگونه تلاش آنکارا برای برگزاری رزمایش یا پروازهای شناسایی به‌منظور آزمایش توانایی سامانه‌های دفاعی سوریه مخالف است. تجهیز سوریه به سلاح‌های جنگی بسیار پیشرفته گام عملی روسیه بود. روسیه سال‌های طولانی است که هم‌پیمان سوریه محسوب می‌شود، از این‌رو اعلام کرده است تجهیزات نظامی در اختیار این کشور قرار می‌دهد. به‌رغم اینکه ناآرامی‌ها در سوریه شدت گرفته است، روسیه به‌هیچ‌وجه از ارسال تجهیزات نظامی به سوریه خودداری نکرد. مسکو تاکید کرده است که این تسلیحات فقط در قبال تهدیدهای خارجی قابل استفاده است و عموماً جنبه دفاعی دارند؛^{۳۲} از آن جمله می‌توان به زده‌وایی که روسیه در اختیار دمشق قرار داده تا سوریه بتواند از پس این تهدیدها برآید، اشاره کرد.

در واقع در مقابل سلاح‌هایی که غربی‌ها برای تروریست‌های سوریه می‌فرستند، روسیه سلاح‌هایی برای دمشق ارسال می‌کند که توازن قوا در منطقه تغییر نکند.

ب. شکستن محور مقاومت و خروج ایران از منطقه

با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران و اولویت برقراری و تحکیم روابط با دولت‌های اسلامی، روابط مستحکمی میان دولت‌های ایران و سوریه شکل گرفت. دوستی دو کشور ایران و سوریه زمانی قوت گرفت که دولت سوریه در جنگ عراق علیه ایران جانب ایران را گرفت. سوریه از نقاط مهم برای ایران است. با شروع تنش در سوریه، ایران ضمن توصیه دو طرف بر کنار گذاشتن خشونت، مطالبه خواست‌های به حق مردم را در راستای طرح‌های اصلاحی بشار اسد سازنده و رو به جلو می‌داند. ایران و سوریه سال‌هاست با هم روابط نزدیک و راهبردی دارند و متحد هم هستند. این دو کشور همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی با یکدیگر دارند. حجم صادرات سوریه به ایران در ۲۰۱۱ حدود ۷۰۰ میلیون لیره بود.^{۳۳} توافق‌نامه تجارت آزاد امضا شده بین دو کشور نیز منجر به امضای ۲۰ توافق‌نامه و اجرایی شدن ۵۰ پروژه سرمایه‌گذاری از جمله خوشه‌های صنعتی و پالایشگاه‌های نفتی همچنین پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است.

سوریه کوریدوری مهم برای ایران جهت ارسال تجهیزات و حمایت از فلسطین و حزب‌الله بوده است. در طول سال‌های گذشته، ایران از سوریه حمایت کرده است تا از سرزمین‌های اشغال شده‌اش در برابر اسرائیل دفاع کند. راهبرد ایران نیز ایجاب می‌کند با سوریه همراه باشد. سوریه و ایران جبهه مقاومت را تشکیل داده و در مقابل جبهه اعتدال ایستاده‌اند. از طرفی، تناقض‌های سیاست ایران با ایالات متحده نیز مزید بر علت شده و به تلاش ایالات متحده برای کوتاه کردن دست ایران از سوریه و شکستن محور مقاومت انگیزه بیشتری می‌دهد. این دولت همچنان از مقاومت حزب‌الله در لبنان و مبارزه با اشغالگری اسرائیل حمایت می‌کند و مخالف دخالت‌های استعماری ایالات متحده و غرب در منطقه است. سوریه و ایران همواره به‌عنوان مانع مهمی در مقابل تسلط کامل ایالات متحده در منطقه بوده‌اند. از این رو است که مساله سوریه فقط یک

مساله داخلی نیست، بلکه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهمیت است. نتیجه آنکه، تضعیف احتمالی محور مقاومت از طریق سوریه و تغییر جهت احتمالی سیاست خارجی این کشور با روی کار آمدن متحدان غرب - از طریق تداوم یا تشدید تحولات جاری سوریه و فروپاشی نظام سیاسی این کشور یا حاکم کردن هرج و مرج بر آن توسط کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها و نیز مطابق با تلاش و سناریوی کشورهای غربی - یکی از عوامل برهم زدن توازن منطقه‌ای و حتی جهانی به نفع غرب خواهد بود.

۱۳۳

ایران بر این باور است که طولانی شدن بحران در سوریه بر ثبات منطقه تاثیر خواهد گذاشت و پیامدهای منفی بر اقتصاد و شکوفایی تمام ملت‌های منطقه خواهد داشت. ضرورت توقف خشونت از سوی گروه‌های مسلح، پایبند بودن حامیان این گروه‌ها به طرح شش‌گانه عنان، متوقف کردن حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود از این گروه‌ها و همچنین دست برداشتن از مواضع تحریک‌آمیز و هشدار درباره پیامدهای وخیم هرگونه ماجراجویی نظامی علیه سوریه، از محورهای مهم مواضع جمهوری اسلامی ایران بوده است. ایران از روند سیاسی عادلانه و بی‌طرفانه در سوریه حمایت می‌کند. در کنفرانس سران کشورهای عدم تعهد که هشتم تا دهم شهریور ۱۳۹۱ در تهران برگزار شد، ایران تلاش کرد با طرح موضوع سوریه و تاکید بر احترام به حقوق بین‌الملل و حقوق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، راه‌حلی برای این کشور پیدا کند.

مخالفت ایالات متحده با حضور ایران در اجلاس بین‌المللی درباره سوریه، نشان‌دهنده دوگانگی سیاسی ایالات متحده است. ایالات متحده تلاش می‌کند با کمرنگ کردن نقش ایران در منطقه به انزوای بیشتر ایران اقدام نماید و حضور ایران در اجلاس ژنو و کمک به برقراری آرامش در سوریه را به قدرت‌یابی ایران در عرصه بین‌الملل تعبیر می‌کند و معتقد است جامعه بین‌الملل بدون ایران نیز می‌تواند نتایج مطلوب را در سوریه محقق نماید. این در حالی است که کوفی عنان نماینده ویژه سازمان ملل اعلام کرد که ایران باید نقشی کلیدی در راه‌حل سیاسی مسالمت‌آمیز در ناآرامی‌های سوریه داشته باشد. روس‌ها نیز تاکید کردند، حق مسلم ایران است که به‌عنوان همسایه سوریه در حل بحران این کشور حضور داشته باشد و می‌تواند نقش سازنده‌ای در یافتن راه‌حلی برای درگیری‌های سوریه ایفا کند.^{۳۴}

محروم کردن ایران از قطب منطقه‌ای خود در سوریه می‌تواند به قطع بازوهای نیابتی ایران یعنی حزب‌الله لبنان و حماس در غزه منجر شود که این مساله به اعتبار و جایگاه داخلی و بین‌المللی ایران ضربه جدی خواهد زد. خارج کردن ایران از سوریه برای امنیت اسرائیل حیاتی است.^{۳۵} برخی از کارشناسان هدف اصلی بحران سوریه را ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی ایران ذکر کرده‌اند و معتقدند غرب و مخالفان برآند نقش محوری ایران را در خاورمیانه تضعیف کنند. تضعیف موقعیت ایران و اثرگذاری در مذاکرات هسته‌ای برای تسلیم کردن ایران با استفاده از ضربه زدن به سوریه و حزب‌الله از اهداف اصلی ایالات متحده است.

ج. تغییر نقشه سیاسی منطقه و ایجاد توازن قدرت به نفع اسرائیل

ایالات متحده به امنیت اسرائیل بیش از دموکراسی‌سازی در سوریه علاقمند است. از بدو تاسیس رژیم اشغالگر، ایالات متحده تعهد دائمی خود به حفظ و حمایت از اسرائیل را جزو اصول اساسی سیاست خارجی خود قرار داده است. این کشور از اولین کشورهای بود که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت و حمایت از اسرائیل را در راس برنامه‌های خود در منطقه خاورمیانه قرار داد. سفیر ایالات متحده در تل‌آویو طی سخنانی تاکید کرد که واشنگتن عمیقاً به امنیت اسرائیل پایبند است. محور سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه، تماماً به سیاست داخلی این کشور و به‌خصوص فعالیت‌های لابی اسرائیل وابسته است.

یهودیان به‌طور عمده مالکان شرکت‌ها و موسسه‌های بزرگ اقتصادی و تجاری در ایالات متحده هستند و با در اختیار داشتن بنگاه‌های رسانه‌ای بزرگ فضای افکار عمومی ایالات متحده را به سود اسرائیل شکل می‌دهند. بر این اساس بسیاری از بزرگ‌ترین بنگاه‌های رسانه‌ای ایالات متحده در برنامه‌های خود آشکاراً موضع حمایت از اسرائیل و سیاه‌نمایی درباره فلسطینی‌ها را اتخاذ می‌کنند و به‌صراحت بر رویکرد جانب‌دارانه خود نسبت به اسرائیل صحنه می‌گذارند. قدرت اثرگذاری یهودیان بر نمایندگان و تصمیم‌سازان در قوای مقننه و مجریه آمریکا مانع از تصویب هرگونه قوانینی می‌شوند که منافع اسرائیل را در معرض تهدید قرار دهد. بنابراین، حمایت از اسرائیل به‌صورت تام و بدون قید و شرط یکی از سیاست‌های ثابت ایالات متحده صرف‌نظر از

حاکمیت هریک از دو حزب سیاسی این کشور در کاخ سفید می‌باشد. از این‌رو ایالات متحده با وجود تمام انتقادهای عربی-اسلامی به حمایت خود از اسرائیل ادامه می‌دهد.

تمرکز ایالات متحده بر سوریه از اواخر دهه ۱۹۸۰، به دلیل توانایی این کشور در نفوذ بر بازیگران غیردولتی بوده که مایه دردسر دولت اسرائیل بوده‌اند. با سرنگونی مبارک، ایالات متحده عامل اصلی ثبات در خاورمیانه را از دست داد و حال، رژیم سوریه با خطر ظهور رهبرانی روبه‌رو است که نتوانند امنیت اسرائیل را تأمین کنند. در نتیجه محیط راهبردی پیرامونی اسرائیل به شدت تضعیف شده است. در صورتی که مخالفان سوری به قدرت برسند و حرف‌های خود را به عمل تبدیل کنند، برای ایران تنها بازیگران غیردولتی مانند پ.ک.ک، لشکر مهدی، سپاه بدر، حزب‌الله و تا حدی جهاد اسلامی و حماس باقی خواهند ماند. منافع اسرائیل در سقوط دولت بشار اسد به نگرانی‌های اسرائیل از دهه ۱۹۹۰ بیشتر به سمت نقش منطقه‌ای سوریه در «محور مقاومت» متمایل شده است. بر این مبنای دیدگاه غرب و به‌ویژه ایالات متحده، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه‌کار تغییر یابد، به نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلاب‌های عربی و به ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی ترمیم خواهد شد. اسرائیلی‌ها از این هراس دارند که اسلام‌گراها و بازیگرهای تندرو از هر فرصت سیاسی به‌وجود آمده استفاده و سیاست‌هایی افراطی در مقابل اسرائیل اتخاذ کنند. از سویی دیگر، برای در امان بودن اسرائیل از خطر نظام بشار اسد، بهتر است سوریه همچنان درگیر اختلاف‌ها و بحران‌های داخلی و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی باشد تا اسرائیل در آرامش به تعقیب اهداف خود بپردازد.

یکی از مسائل حیاتی برای اسرائیل «مساله آب» است. این کشور خواستار ایجاد دالانی ده متری در دو طرف نهرهای جاری از چشمه‌های بانیا در شمال جولان و در پایین دریاچه تیبربوس است که منبع آبی مهمی برای آنهاست. حافظ اسد از پذیرش مرزهای بین‌المللی ۱۹۲۳ امتناع کرد و به مرزهای چهارم ژوئن پایبند بود و در عین حال، تمام پیشنهادهای برای تبادل ارضی را رد کرد. نگرانی‌های اسرائیل از ثبات دولت سوریه باعث احیای دوباره ترس اسرائیل در مورد مرزهای جولان شده است. از این‌رو اسرائیل برخی از مرزهای فیزیکی خود را با

منطقه جولان تقویت نمود.^{۳۶} نبود ثبات برای سوریه یعنی نبود ثبات برای اسرائیل؛ ممکن است سوریه در وضعیتی که با فشارهای جهانی روبه‌رو است، بخواهد موجب ایجاد جنگ علیه اسرائیل شود. از آنجا که امنیت اسرائیل برای قدرت‌های غربی در اولویت قرار دارد، تضعیف هر قدرت در منطقه اهمیت دارد. وزیر خارجه رژیم صهیونیستی بر این باور است که ناآرامی‌های سوریه همه توافقات بین‌المللی برای حفظ امنیت اسرائیل را به چالش کشیده است. در این شرایط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی رزمایش بزرگی در مرز سوریه برگزار کردند. سلیم حربه، کارشناس راهبردی سوریه، معتقد است که قطر از سوی آمریکا ماموریت دارد از طرح حفظ امنیت اسرائیل در منطقه حمایت کند.

نتیجه‌گیری

در مجموع از آنچه ذکر شد، می‌توان گفت مورد سوریه برای ایالات متحده بیش از حد استثناست. این امر ناشی از پیچیدگی‌های راهبردی، رادیکال شدن تحولات در سوریه و تعدد بازیگران داخلی، بازیگران منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی در مساله سوریه است. تمام اقدامات ایالات متحده در جریان تحولات سوریه، بیانگر این نکته است که ایالات متحده به‌رغم تمام ادعاهای خود مبنی بر دفاع از حقوق بشر و دموکراسی، صرفاً به دنبال منافع دولت خود و رژیم اشغالگر در منطقه است. عدم پذیرش طرح کوفی عنان در مورد سوریه و موضع تند و غیرقابل تصور ایالات متحده درباره نتیجه انتخابات در سوریه، به‌خوبی گویای این مساله است. این تحولات نشان داد جنگ سردی که گمان می‌رفت بین ایالات متحده و روسیه به پایان رسیده، همچنان پابرجاست. روسیه و سوریه با هم پیمان‌های نظامی دارند. از این‌رو، روسیه با تمام قوا برای حمایت از آخرین متحد خود در منطقه و حفظ قدرت از دست رفته خویش، در سوریه حضور یافته و در این راه از ارسال تجهیزات و نیروی نظامی تا ناوهای هواپیمابر خودداری نکرده است. ایالات متحده نیز تلاش دارد با خنثی کردن برنامه‌ها و طرح‌های روسیه و تغییر نظام حاکم بر سوریه از افزایش قدرت روسیه در منطقه خاورمیانه که برای آنها بسیار حیاتی است، جلوگیری کند. ایران نیز مانند روس‌ها در سوریه منافع خودش را دارد که مهم‌ترین آنها حفظ امنیت در

منطقه و جلوگیری از جنگ داخلی، حفظ یک کشور دوست، حفظ جریان مقاومت و ایجاد نوعی تعادل در دامنه‌های ایفای نقش غربی‌ها در مسائل توازن قوای منطقه‌ای است. در نتیجه تضعیف احتمالی محور مقاومت از طریق سوریه و تغییر جهت احتمالی سیاست خارجی این کشور با روی کار آمدن متحدان غرب، تغییری مطلوب برای ایالات متحده و اسرائیل خواهد بود. ایالات متحده تلاش کرد با نادیده گرفتن طرح کوفی‌عنان درباره سوریه، مخالفت با حضور ایران در اجلاس بین‌المللی درباره سوریه و ایجاد ثبات بدون دخالت ایران در سوریه، نقش ایران را در تحولات سوریه کم‌رنگ کند. تحولات سوریه و نبود امنیت در آن و قدرت گرفتن نیروهای اسلام‌گرا در منطقه، امنیت اسرائیل را هم به خطر انداخته است. از این‌رو با توجه به نفوذ اسرائیل و رایزنی یهود در دستگاه‌های قانون‌گذار و بنگاه‌های اقتصادی ایالات متحده، طبیعی است که این کشور برای افزایش امنیت اسرائیل اقدام نماید. با توجه به روند رو به رشد تهدیدهای منطقه‌ای برای اسرائیل، تحولات سوریه فرصتی را پدید آورد تا ایالات متحده از طریق تقویت نظامی اسرائیل و برقراری امنیت و کنترل بیشتر در نقاط مرزی این رژیم، توازن جدیدی از قدرت را به‌وجود بیاورد تا در آن منافع اسرائیل را تامین نماید.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. سادات میر ایچ و دانیل بی. جونز، «سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه: تناسب ایدئولوژی و منافع ملی»، ترجمه: کیانوش کیاکجوری، *مجله خلیج فارس و امنیت*، سال دوازدهم، شماره ۱۲۲، مهر ۱۳۹۰، صص ۱۴-۱۵.
۲. همان، ص ۱۲.
۳. ریچارد لیتل، *تحول در نظریه موازنه قوا*، ترجمه غلامحسین چگینی‌زاده، تهران: انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۸۹، صص ۳۷-۳۰.
4. Stephen M. Walt, *the Origins of Alliances*, Cornell University Press, 1987, p. 5.
۵. ریچارد لیتل، پیشین، ص ۳۵.
۶. حمیرا مشیزاده، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸، صص ۵-۱۳۴.
۷. جک دانلی، «واقع‌گرایی»، در: اسکات برچیل و اندرو لینکلینتر، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه: حمیرا مشیزاده و روح‌الله طالبی آرائی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱، صص ۷۱-۷۰.
۸. سید حسین موسوی، «بیم و امیدها در بحران سوریه»، در: <http://fa.merc.ir/>، ۱۳۹۱/۱/۲۲.
۹. حسین آجرلو، «بحران سوریه و رقابت‌های منطقه‌ای»، در: <http://fa.merc.ir/>، ۱۳۹۱/۱/۲۲.
10. <http://edition.presstv.ir/detail/fa/228060.html,25/12/1390>.
11. <http://www.islamtimes.org/vdchvqzkd23nkkd.tft2.html,12/12/1390>.
12. <http://khabarfarsi.com/ext/2755494,10/3/1391>
13. <http://www.islamtimes.org/vdce7z8zzjhwwi.b9bj.html,28/12/1390>.
۱۴. مهدی میرزاده، «اهداف ائتلاف غربی-عربی از افزایش فشارها بر سوریه»، در: <http://fa.merc.ir/>، ۱۳۹۱/۱/۱۲.
15. <http://fa.alalam.ir/news/327874,1/3/1391>.
16. [Http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910321000548,1/4/1391](http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910321000548,1/4/1391).
17. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910318000556,20/3/1391>.
۱۸. محمدرضا نوروزپور، «اشتراک منافع آمریکا و القاعده در سوریه»، <http://www.khabaronline.ir/detail/198662/world/middle-east,23/12/1390>.
19. <http://zohur.net/htm,1/3/1391>.
20. <http://edition.presstv.ir/detail/fa/225758.html,22/1/1390>.
21. <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1554947,1/3/1391>.
22. <http://fa.alalam.ir/plans-to-attack-syria-with-arab-investors,1/3/1391>.
23. <http://www.aerocenter.ir/forum/thread18050.html,1/3/1391>.

24. <http://www.iran1414.ir/index.php/home/news/260-2012-03-03-11-59-36/29254-2012-06-14-05-21-21>, 9/4/1391.

25. <http://www.islamtimes.org/vdciv5azyt1awq2.cbct.html>, 9/4/1391.

26. <http://www.ommatnews.ir/archives/9331>, 9/4/ 1391.

27. <http://www.iran1414.ir/index.php/home/news/260-2012-03-03-11-59-36/29254-2012-06-14-05-21-21>, 9/4/1391.

28. [http:// fa.alalam.ir/news/351544](http://fa.alalam.ir/news/351544), 11/6/1391.

۲۹. حمید خوش آیند، «جایگاه سوریه در دکترین امنیت ملی روسیه»، <http://www.irinn.ir/web/guest/>

home;jsessionid=534C061800D17E8BA5DE1F0265DC3D4B.portal1, 8/5/1391.

۱۳۹

30. <http://www.ammariyon.ir/fa/news/20775>, 9/4/1391.

31. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910321000061>, 7/4/1391.

32. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyView/1903303>, 9/4/ 1391.

33. <http://cpfa.alalam.ir/news/327054>

34. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910321000358,20/3/1391>.

35. <http://iusnews.blogfa.com/post-1411.aspx>,9/4/1391.

36. <http://akhbarsoorieh.persianblog.ir/post/259>, 9/4/1391.